فصلنامه

سال بیست‌ویکم/ شماره ۸۱/ بهار ۱۴۰۴

صفحات: ۱۸۷-۱۷۲

Journal of
Family Research
Vol.21(1): 172-187; 2025
https://doi.org/10.48308/jfr.2025.228673.1458

Original Article

Family Factors Underlie Individualism-Collectivism

Fereshteh Zarei[1]✉, Farideh Ameri[1]

1. Clivical Psychology Department, Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

Received: 2022.09.06 **Revised: 2025.04.11** **Accepted: 2025.04.13**

Doi: **10.48308/jfr.2025.228673.1458**

Abstract: The role of family in creating and nurturing values in children is unique and unrivaled, and early childhood experiences will have a significant impact on the formation of spiritual and cultural tendencies. Value orientations such as individualism and collectivism are passed on through the family to children and individualist and collectivist family each develop different nurturing goals in children and it seems that influential factors such as attachment style, parenting style and family cohesion have a significant role in this upbringing. The purpose of this study was to investigate the impact of some key factors on individualistic-collectivistic orientation of children. A sample of 150 people (66 males and 84 females) answered to the Auckland Individualism-Collectivism Scale, Revised Adult Attachment Scale, Parental authority questionnaire and Family Cohesion Scale. Analyzing data showed a positive significant relationship between secure attachment style and collectivism and a negative significant relationship between avoidant attachment style and individualism. Also, there is a positive and significant relationship between Authoritative parenting style and collectivism and between Permissive parenting style and individualism. Comparison of this finding in the collectivist context with the findings of the individualist context shows that authoritative parents are more successful than others in transmitting the values of their culture to their children. Additional findings showed that individualism was significantly higher in men than in women and was significantly higher in single youths than married ones.

Keywords: Intercultural Psychology, Individualism, Collectivism, Parenting Style, Family Cohesion.

How to cite: Zarei, F., & Ameri, F. (2025). Family factors underlying individualism-collectivism. Journal of Family Research, 21(1), 172–187. https://doi.org/10.48308/jfr.2025.228673.1458

✉Corresponding Author Email Address: fzareipsychology@gmail.com

Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

فصلنامه
خانواده‌پژوهی
سال بیست‌ویکم/ شماره ۸۱/ بهار ۱۴۰۴
صفحات: ۱۸۷-۱۷۲

Journal of
Family Research
Vol.21(1): 172-187; 2025
https://doi.org/10.48308/jfr.2025.228673.1458

مقالهٔ پژوهشی

عوامل خانوادگی زمینه‌ساز فردگرایی- جمع‌گرایی

فرشته زارعی[1]✉، فریده عامری[2]

۱. گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ دریافت نسخهٔ اصلاح‌شده: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

DOI: 10.48308/jfr.2025.228673.1458

چکیده: نقش خانواده در ایجاد و پرورش ارزش‌ها در فرزندان، منحصر به فرد و بی‌رقیب بوده و تجربیات اوایل کودکی تأثیر بسزایی در شکل‌دهی گرایش‌های فرهنگی خواهند داشت. جهت‌گیری‌های ارزشی چون فردگرایی و جمع‌گرایی، از مجرای خانواده به فرزندان منتقل می‌شود و خانواده فردگرا و جمع‌گرا هر یک اهداف تربیتی متفاوتی را در فرزندان پرورش می‌دهد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر برخی عوامل کلیدی در خانواده بر فردگرایی و جمع‌گرایی فرزندان بود. پاسخ یک نمونه ۱۵۰ نفری (۶۶ مرد و ۸۴ زن) به مقیاس فردگرایی— جمع‌گرایی اوکلند (AICS)، مقیاس دلبستگی بزرگسالان (RAAS)، پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ) و مقیاس انسجام خانواده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و جمع‌گرایی رابطه مثبت و معنی‌دار و بین سبک دلبستگی اجتنابی و فردگرایی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. همچنین، رابطه مثبت و معنی‌دار بین سبک فرزندپروری مقتدر و جمع‌گرایی و بین سبک فرزندپروری سهل‌گیر و فردگرایی یافت شد. مقایسه این یافته در بافت فرهنگی جمع‌گرا با یافته‌های موجود از بافت فردگرا نشان می‌دهد که والدین مقتدر بیش از سایر والدین، در انتقال ارزش‌های فرهنگ خود به فرزندان موفق هستند. همچنین، یافته‌ها نشان داد فردگرایی به طرز معناداری در مردان نسبت به زنان، و در افراد مجرد نسبت به متأهل، بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: روانشناسی بین فرهنگی، فردگرایی، جمع‌گرایی، سبک فرزندپروری، انسجام خانواده

استناد به این مقاله: زارعی، ف. و عامری، ف. (۱۴۰۴). عوامل خانوادگی زمینه‌ساز فردگرایی جمع‌گرایی. خانواده‌پژوهی، ۲۱(۱)، ۱۷۲-۱۸۷.
https://doi.org/10.48308/jfr.2025.228673.1458

✉**نویسنده مسئول**: fzareipsychology@gmail.com

مقدمه

امروزه فردگرایی همراه با موج جهانی‌شدن و نوگرایی[۱]، جوامع جمع‌گرا را نیز دستخوش تغییراتی کرده است؛ هر چند که فردگرایی در این جوامع متفاوت از آن در جامعه فردگرا باشد. فردگرایی با ورود به فرهنگ‌های جمع‌گرا، ابتدا سطح فرهنگی و اجتماعی را تغییر می‌دهد و خانواده آخرین سنگری است که فردگرایی آن را فتح می‌کند (جورجز و همکاران[۲]، ۲۰۰۶). به طور کلی، فردگرایی متناقض با اهداف و کارکرد خانواده به نظر می‌رسد؛ چرا که فردگرایی بر موفقیت فردی و اولویت اهداف فرد تأکید دارد، در حالی که کارکرد مطلوب خانواده، در موارد بسیاری نیاز به گذشتن از اهداف فردی دارد.

کوچک شدن خانواده از گسترده به هسته‌ای، با فرستادن پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها به خانه سالمندان، جدا زندگی کردن اعضای مجرد خانواده و تعداد کم فرزندان، از ویژگی‌های فردگراشدن خانواده است. در موارد متعددی، در جامعه‌های مدرن، حتی خانواده هسته‌ای نیز رو به فروپاشی است. هر چند این جامعه‌ها تلاش دارند جای خالی خانواده را با نهادهایی پر کنند؛ اما چندان موفق نبودند (هافستد[۳]، ۲۰۰۱). در فرهنگ فردگرا، پیوندهای خانوادگی پیوسته ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند و هر چند این پیوندها همچنان دیده می‌شوند، اما تعهد و ماندگاری آنها مانند قبل نیست. از طرف دیگر هر چه تجربه رابطه جدید و شکست برای انسان موجود در فرهنگ فردگرا تکرار شود، بیش از پیش در لاک خود فرو خواهد رفت (بک و بک-گرنشیم[۴]، ۲۰۰۲، ۹۸).

غالباً پژوهشگران، شخصیت فردگرا را مشخصه انسان فرهنگ غربی (اروپای غربی، آمریکای شمالی، استرالیا) می‌دانند، و شخصیت‌های غیر غربی (مثل آسیایی، آمریکای جنوبی، آفریقایی) را با شخصیت جمع‌گرا معرفی می‌کنند (گرین و پائز[۵]، ۲۰۰۵؛ هوقس[۶]، ۲۰۱۱). از طرف دیگر، بین جهانی شدن، سبک زندگی تجددگرایانه و فردگرایی، و بین سبک زندگی سنتی و جمع‌گرایی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد (خواجه‌نوری، پرنیان و جعفری[۷]، ۱۳۹۲؛ افشانی، خرم پور و جواهرچیان[۸]، ۱۳۹۳). مطالعات انجام شده در مورد ایران نیز به عنوان یک کشور شرقی، بستر اصلی فرهنگ را جمع‌گرا معرفی کرده‌اند (حسینی[۹]، ۲۰۱۰).

فردگرایی و جمع‌گرایی، همانند سایر جهت‌گیری‌های ارزشی، از بستر خانواده شکل می‌گیرد. خانواده نقش واسطه میان فرهنگ و فرد را به عهده دارد، به نحوی که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در خانواده نمود پیدا کرده و خانواده هم این ارزش‌ها و هنجارها را در فرزندان نهادینه می‌کند. تأثیر خانواده به ویژه در دوره کودکی مورد توجه است، هم از نظر اهمیت این دوره، و هم به این دلیل که این دوره کلید فهم عملکرد خانواده و جامعه است (اسمیت، باند و کاگیتچی‌باشی[۱۰]، ۲۰۱۱، ۸۵).

فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا البته ارزش‌ها، هنجارها و اهداف تربیتی متفاوتی را در فرزندان ترغیب می‌کنند که منجر به گرایش‌های فردگرا یا جمع‌گرا در افراد خواهد شد. مطالعات نشان داده‌اند در فرهنگ‌های فردگرا، والدین و معلمان از همان ابتدای کودکی، فرزندان را تشویق می‌کنند تا به سبک فردگرایانه عمل کنند و یا خانواده‌های آمریکایی- اروپایی تمایل به تشویق ویژگی‌های فردگرا در فرزندانشان دارند (رنجارد[۱۱]، ۱۹۹۷؛ جوز و همکاران[۱۲]، ۲۰۰۰؛ لیندکر و همکاران[۱۳]، ۲۰۰۲؛ به نقل از: لوز[۱۴]، ۲۰۰۸؛ سوییزو[۱۵]، ۲۰۰۴).

خانواده‌های فردگرا و جمع‌گرا، اهداف تربیتی متفاوتی را هم برای فرزندان خود در نظر می‌گیرند. تامیسلمندا و همکاران[۱۶] (۲۰۰۸) اهداف تربیت فردگرا را انتخاب شخصی[۱۷]، انگیزه درونی[۱۸]، عزت نفس[۱۹] و خود بیشینه‌سازی[۲۰] و اهداف تربیت جمع‌گرا را اتصال به خانواده و روابط نزدیک دیگر[۲۱]، تمایل به گروه بزرگتر[۲۲] و

احترام و اطاعت[۲۳] برمی‌شمارند. البته تربیت فردگرا و جمع‌گرا حالت پویا داشته و گاهی با تغییر شرایط خانواده، تغییر فرزند در طول رشد و یا تغییرات سیاسی- اقتصادی جای خود را به دیگری می‌دهند.

البته باید توجه داشت که فرآیند اجتماعی شدن یک فرایند یک طرفه از سوی والدین به کودک منفعل نیست، بلکه یک رابطه تعاملی بین سرپرست و کودک است. بنابراین کودک به صورت فعال در فرآیند اجتماعی شدن خود نقش ایفا می‌کند (کاگیتچی‌باشی، ۲۰۱۷، ۶۰). سن، جنس، خلق و خوی و توانمندی‌های کودک بر والدین و دیگران اثر می‌گذارند و انتظارات و فرصت‌های فرهنگی برای آن کودک در هر زمانی تغییر می‌یابد (سوپر و هارکنس[۲۴]، ۲۰۰۲). این تعامل دو طرفه والد -فرزند، فرآیند فرزندپروری را پیچیده‌تر می‌کند.

حال پرسش این است که کدام یک از تجربیات کودکی نقش مهم‌تری در ایجاد جهت‌گیری فردگرا یا جمع‌گرا در فرد دارد؟ به نظر می‌رسد مهمترین این تجربیات، سبک دلبستگی فرزند و سبک فرزندپروری والدین است که مسیر رشد خاصی را در طول زندگی مشخص می‌کند (کلر[۲۵]، ۲۰۱۳). به عقیده بامریند[۲۶] (۲۰۰۵) پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است.

هدف از این پژوهش، درک رابطه برخی ابعاد خانواده در نسبت با فرزندان و نقش پیش‌بینی‌کننده آنها در زمینه‌سازی فردگرایی یا جمع‌گرایی در فرزندان است. سه عامل سبک دلبستگی، سبک فرزندپروری و انسجام خانواده به عنوان عوامل زمینه‌ساز فردگرایی- جمع‌گرایی بررسی شده‌اند.

مطالعات انجام شده در ایران رابطه مثبت و معنی‌دار بین سبک فرزندپروری مقتدر و جمع‌گرایی را ناشی از نقش مؤثر والدین مقتدر در آموزش رفتارهای جامعه‌پسندانه و یا محافظه‌کاری و از خودگذشتگی بیشتر فرزندان والدین مقتدر بیان کرده‌اند (پاکدامن و خانجانی[۲۷]، ۱۳۹۰؛ حسین‌نژاد و عبدالله‌زاده[۲۸]، ۱۳۹۴). طبق این مطالعات، سبک دلبستگی ایمن و سبک فرزندپروری مقتدر دارای ارتباط مثبت معنی‌دار با یکدیگر و هم‌چنین با جمع‌گرایی بودند (پاکدامن و خانجانی، ۱۳۹۰؛ کاظمی، افتخار و سلوکیان[۲۹]، ۲۰۱۱). مطالعه بین نسلی بیجاری و زحمتکش[۳۰] (۲۰۱۱) نیز هر چند اختلاف سطح فردگرایی و جمع‌گرایی بین نسل‌ها را نشان داد، اما این اختلاف معنادار نبوده و ارتباطی با میزان کنترل والدین در بین نسل‌های مختلف نیز نداشت. مطالعه لانسفورد[۳۱] و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان داد دینداری بیشتر در مادران، هم با جمع‌گرایی و هم با سبک فرزندپروری مستبدانه ارتباط مثبت داشته است. همچنین، جمع‌گرایی با انتظار بیشتر والدین از فرزندان برای تبعیت از قوانین خانواده ارتباط مثبت و معنی‌دار دارد (اوبورو[۳۲]، ۲۰۲۴؛ باچینی و همکاران[۳۳]، ۲۰۲۴؛ جونلا و یوتانی آمانی وونگ[۳۴]، ۲۰۲۴؛ لو، زیو، چن و چانگ[۳۵]، ۲۰۲۴؛ گوردال و سوربینگ[۳۶]، ۲۰۲۴)؛ این نتیجه در مقایسه بین‌فرهنگی نیز مورد تأیید قرار گرفت (گورلا[۳۷] و همکاران، ۲۰۲۴)

شایان ذکر است که برخی از این متغیرهای فرهنگی، در تعامل با سایر متغیرها، مانند سطح تحصیلات والدین، درآمد خانواده و جنسیت فرزندان، بر سبک فرزندپروری والدین تأثیرگزار خواهند بود. هرچند مطالعه جونلا و یوتانی آمانی وونگ (۲۰۲۴) نشان داد بعد از کنترل متغیرهایی مثل جنسیت فرزندان، تحصیلات والدین و سایر ارزش‌های فرهنگی، جمع‌گرایی مادر و پدر تنها متغیر فرهنگی بود که رفتار والدین را به طرز معناداری پیش‌بینی می‌کرد.

در مقایسه‌های بین‌فرهنگی اما، برخی از مطالعات بین دلبستگی اضطرابی و جمع‌گرایی ارتباط مثبت یافتند (لین، چو و ویلکینسون[۳۸]، ۲۰۱۷؛ ونگ و مالینکراد[۳۹]، ۲۰۰۶؛ وی، راسل، مالینکراد و زاکالیک[۴۰]، ۲۰۰۴)، در

حالی که نتایج برخی دیگر حاکی از عملکرد متضاد دلبستگی اضطرابی و جمع‌گرایی در سطح گروه است (فریاس، لاوینگ و شیور[۴۱]، ۲۰۱۲). به عقیده فریاس و همکاران (۲۰۱۲) دلبستگی اضطرابی و اجتنابی هر دو مانع از ابراز احساسات مثبت در میان اعضای گروه می‌شوند، در حالی که جمع‌گرایی ابراز احساسات مثبت را تشویق می‌کند. علاوه بر این، دلبستگی اجتنابی و جمع‌گرایی با جلوگیری از ابراز احساسات منفی در میان اعضای گروه ارتباط دارد، در حالی که فردگرایی آن را تشویق می کند.

بین فردگرایی و دلبستگی اجتنابی نیز یا ارتباطی یافت نشده است (لین، چو و ویلکینسون، ۲۰۱۷) و یا بین دلبستگی اجتنابی و خودپنداره مستقل رابطه منفی معنادار دیده شده است (ونگ و مالینکراد، ۲۰۰۶). به عقیده پیرسون و چایلد[۴۲] (۲۰۰۷) این اختلاف در سبک دلبستگی در مقایسه‌های بین‌فرهنگی نشان می‌دهد که نظریه دلبستگی جهانی نیست، بلکه وابسته به فرهنگ است.

برخی مطالعات نیز نشان داده در فرهنگ‌های جمع‌گرا، سبک فرزندپروری مستبد رایج‌تر است (زرویدس و نولس[۴۳]، ۲۰۰۷). رودی و گروسک[۴۴] (۲۰۰۶) نیز در مقایسه دو گروه فردگرای غربی (اروپای غربی) و جمع‌گرای شرقی (مصری، ایرانی، هندی، پاکستانی) دریافتند مادران جمع‌گرا بیش از فردگرا سبک مستبدانه دارند، اما این سبک در مادران جمع‌گرا با نگرش و احساس منفی نسبت به فرزند ارتباط نداشت؛ در مقابل، سبک مستبدانه در فرهنگ فردگرا با نگرش و احساس منفی نسبت به فرزند ارتباط معنادار داشت. از طرف دیگر سبک مستبدانه در فرهنگ جمع‌گرا منجر به عزت نفس پایین در فرزندان نشده بود، در حالی که در هر دو گروه فردگرا و جمع‌گرا، احساس و نگرش منفی مادر در ارتباط با عزت‌نفس پایین در فرزند بود.

روش تحقیق

حجم نمونه با استفاده از نرم افزار G power برای رگرسیون چندگانه، با اندازه اثر ۰/۱۵، آلفا ۰/۰۵ و توان آزمون ۹۵. ۰ و ۷ متغیر پیش‌بین (سه زیرمقیاس سبک فرزندپروری، سه زیرمقیاس سبک دلبستگی و انسجام خانواده) ۱۵۳ نفر محاسبه شد. نمونه به صورت در دسترس و با روش نمونه‌گیری داوطلبانه از میان جوانان ۱۸ – ۳۰ سال انتخاب شدند. تلاش بر این بود که نمونه شامل اقشار مختلف جامعه، مثل دانشجو، کسبه، خانمهای خانه‌دار و جوانان بدون تحصیلات آکادمیک باشند. ۶۶ نفر از نمونه (۴۴٪) مرد و ۸۴ نفر (۵۶٪) زن، و هم‌چنین ۱۰۶ نفر (۷۱/۱٪) مجرد و ۴۳ نفر (۲۸/۹٪) متأهل با میانگین سنی (انحراف استاندارد) (۳/۱۹)۲۳/۰۱ بود. از اعضای نمونه خواسته شد به چهار پرسشنامه پاسخ داده و پاسخ‌های آنان با استفاده از روش همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و آزمون T مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار پژوهش

مقیاس فردگرایی – جمع‌گرایی اوکلند:[۴۵] شولروف، هتی و دیکسون[۴۶] (۲۰۱۱) این مقیاس را برای سنجش سطح فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی ساختند که شامل ۲۶ گویه به صورت طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای است. این پرسشنامه ۵ عامل را تشکیل می‌دهد، ۲ عامل جمع‌گرایی، شامل نصیحت‌پذیری[۴۷] و هماهنگی با

گروه و خانواده[۴۸]، و ۳ عامل فردگرایی شامل رقابت‌جویی[۴۹]، منحصر به فرد بودن[۵۰] و مسئولیت‌پذیری[۵۱] هستند. ضرایب پایایی این عوامل، با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ – ۰/۷۸ بوده است.

مقیاس تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسالان[۵۲]: کولینز و رید[۵۳] (۱۹۹۶) مواد مقیاس دلبستگی بزرگسالان را بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازن و شیور[۵۴] در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، تدارک دیده‌اند. این مقیاس ابتدا در سال ۱۹۹۰ تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این مقیاس، نظریه دلبستگی است که مهارت ایجاد روابط و شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی را نسبت به چهره های دلبستگی به صورت خود-گزارشی می‌سنجد. این مقیاس دارای ۱۸ گویه است که سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، هر کدام شامل ۶ ماده، را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (۰= کاملاً مخالفم – ۴= کاملاً موافقم) می‌سنجد.

کولینز و رید (۱۹۹۶) اعتبار زیرمقیاس های این مقیاس را هم از طریق آلفای کرونباخ و هم از روش بازآزمایی پس از دو ماه بازآزمون، بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. در مطالعات انجام شده در ایران، رجایی، نیری و صداقتی[۵۵] (۱۳۹۵) اعتبار این مقیاس را با روش بازآزمایی، با ضریب همبستگی ۰/۷۶، به دست آوردند. حدادی کوهسار و غباری‌بناب[۵۶] (۱۳۹۰) نیز ضریب آلفای کرونباخ برای سه بعد نزدیکی، اضطراب و وابستگی را به ترتیب ۰/۴۸ ، ۰/۵۵ و ۰/۷۹ گزارش کردند.

پرسشنامه اقتدار والدین:[۵۷] بوری[۵۸] (۱۹۹۱) این پرسشنامه را بر اساس سبک فرزندپروری بامریند، برای سنجش سبک فرزندپروری ادراک شده و به صورت فرزند-پاسخ طراحی کرده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵) است که هر ۱۰ گویه یکی از سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر را می‌سنجد. بوری (۱۹۹۱) پایایی این پرسش‌نامه را به روش بازآزمایی برای سه شیوه فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیر بین ۰/۷۷ – ۰/۸۵ گزارش شده کرده است.

روایی محتوایی پرسشنامه ۹۵ درصد توافق میان ارزیابان را نشان داده است (پاشاشریفی، عنایتی، عسگری، پاشا و زینلی[۵۹]، ۱۳۹۰). در مطالعات انجام‌شده در ایران، اژه‌ای و همکاران[۶۰] (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ برای سبک‌های مقتدر، سهل‌گیر و مستبد را به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۴ و ۰/۹۵ به دست آوردند. همچنین به جهت تعیین روایی، نتایج تحلیل عاملی تأییدی این پرسشنامه، شاخص‌های GFI=90 ، AGFI= 89/0 و ۰/۰۴ =RMSEAرا نشان داد.

مقیاس انسجام خانواده:[۶۱] این مقیاس با الهام از مدل ترکیبی السون[۶۲] (۲۰۰۰) و به صورت فرزند- پاسخ طراحی شده است. (زارع و سامانی[۶۳]، ۱۳۸۷). این مقیاس دارای ۲۸ گویه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف= نمره ۱ و کاملاً موافق= نمره ۵) با حداکثر نمره ۱۴۰ و حداقل نمره ۲۸ است. نمره گذاری این مقیاس به این صورت است که ۵۰٪ بالای نمرات (نمرات بالاتر از ۹۶) تحت عنوان انسجام بالا و ۵۰٪ پایین نمرات (پایین‌تر از نمره ۹۶) تحت عنوان سطح انسجام پایین تعریف شده‌اند.

ضریب پایایی این مقیاس به شیوه بازآزمایی برای این عوامل بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۰ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱؛ به نقل از سامانی، ۱۳۸۵). ضریب همسانی درونی مقیاس ۰/۸۵، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب

پایایی با روش بازآزمایی نیز ۰/۸۰ گزارش شده است (زارع، سامانی، ۱۳۸۷). در پژوهش کرباسی نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس محاسبه گردید که مقدار آن برای کل مقیاس ۰/۹۰ بود (ساعتچی، کامکاری و عسگریان[۶۴]، ۱۳۹۳).

یافته‌ها

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با جمع‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار (r=۰/۲۳ ، p<۰/۰۱) و سبک دلبستگی اجتنابی با فردگرایی رابطه معکوس و معنی‌داری دارد (r= -۰/۲۳ ، p<۰/۰۱). (جدول ۱). جهت پیش‌بینی میزان فردگرایی و جمع‌گرایی بر اساس سبک‌های دلبستگی از روش رگرسیون خطی چندگانه به شیوه همزمان استفاده گردید. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد سبک دلبستگی ایمن می‌تواند میزان جمع‌گرایی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کند (t =۲/۷۶، p<0/01). این معادله حدود ۵ درصد از واریانس جمع‌گرایی را تبیین می‌کند. هم‌چنین، سبک دلبستگی ایمن (t =۲/۲۲، p<0/01) و اجتنابی (t = -۲/۷۴، p<0/01) می‌توانند میزان فردگرایی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند. این معادله حدود ۹ درصد از واریانس فردگرایی را تبیین می‌کند (جدول ۲).

جدول ۱: ماتریس همبستگی سبک دلبستگی و فردگرایی-جمع گرایی

	۲	۳	۴	۵
۱. دلبستگی ایمن	*۰/۱۷	**-۰/۲۹	**۰/۲۳	۰/۱۲
۲. دلبستگی اجتنابی	-	**-۰/۴۰	۰/۰۳	**-۰/۲۳
۳. دلبستگی اضطرابی		-	-۰/۰۷	۰/۱۱
۴. جمع گرایی			-	**۰/۲۳
۵. فردگرایی				-

*p<۰/۰۵, **p<۰/۰۱

جدول۲: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی میزان جمع‌گرایی و فردگرایی بر اساس سبک‌های دلبستگی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	VIF	Tolerance	B	SEB	Beta	F	R2
سبک دلبستگی ایمن	جمع گرایی	۱/۰۹	۰/۹۱	۰/۴۷	۰/۱۷	**۰/۲۳	*۲/۷۸	۰/۰۵
سبک دلبستگی اجتنابی		۱/۱۹	۰/۸۴	-۰/۰۳	۰/۱۹	-۰/۰۲		
سبک دلبستگی اضطرابی		۱/۲۶	۰/۷۹	-۰/۰۱	۰/۱۲	-۰/۰۱		
سبک دلبستگی ایمن	فردگرایی	۱/۰۹	۰/۹۱	۰/۵۰	۰/۲۲	*۰/۱۸	**۴/۵۹	۰/۰۹
سبک دلبستگی اجتنابی		۱/۱۹	۰/۸۴	-۰/۶۸	۰/۲۵	**-۰/۲۴		
سبک دلبستگی اضطرابی		۱/۲۶	۰/۷۹	۰/۱۳	۰/۱۶	۰/۰۷		

*p<۰/۰۵, **p<۰/۰۱

در رابطه با ارتباط فردگرایی- جمع‌گرایی و سبک فرزندپروری، نتایج نشان داد سبک فرزندپروری مقتدر (r =۰/۲۹، p<0/01) و سهل‌گیر (r =۰/۱۷، p<0/05) با جمع‌گرایی رابطه مستقیم و معنی‌دار، و سبک فرزندپروری سهل‌گیر با فردگرایی رابطه مستقیم و معنی‌داری (r =۰/۲۲، p<0/01) دارد (جدول ۳). نتایج

تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد سبک فرزندپروری مقتدر با تبیین حدود ۹ درصد از واریانس، می‌تواند میزان جمع‌گرایی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی (t ۲/۹۸=، .(01/0>p) و سبک فرزندپروری سهل‌گیر با تبیین حدود ۷ درصد از واریانس، می‌تواند میزان فردگرایی را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کند (t =۲/۶۳، 01/0>p) (جدول ۴).

جدول ۳: ماتریس همبستگی سبک فرزندپروری و فردگرایی-جمع گرایی

	۲	۳	۴	۵
۱. سبک مقتدر	**-۰/۲۹	***۰/۴۴	***۰/۲۹	۰/۰۶
۲. سبک مستبد	-	-۰/۰۹	-۰/۰۶	۰/۱۲
۳. سبک سهل گیر		-	*۰/۱۷	**۰/۲۲
۴. جمع گرایی			-	**۰/۲۷
۵. فردگرایی				-

*p<۰/۰۵, **p<۰/۰۱

جدول ۴: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی میزان جمع‌گرایی و فردگرایی بر اساس سبک‌های فرزندپروری

متغیر مستقل	متغیر وابسته	VIF	Tolerance	B	SEB	Beta	F	R2
سبک مقتدر	جمع گرایی	۱/۳۴	۰/۷۴	۰/۲۷	۰/۰۹	**۰/۲۷	**۴/۵۷	۰/۰۹
سبک مستبد		۱/۰۹	۰/۹۱	۰/۰۲	۰/۰۹	۰/۰۲		
سبک سهل گیر		۱/۲۴	۰/۸۱	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۰۵		
سبک مقتدر	فردگرایی	۱/۳۴	۰/۷۴	۰	۰/۱۲	۰	**۳/۵۹	۰/۰۷
سبک مستبد		۱/۰۹	۰/۹۱	۰/۲۰	۰/۱۲	۰/۱۴		
سبک سهل گیر		۱/۲۴	۰/۸۱	۰/۴۲	۰/۱۶	**۰/۲۳		

*p<۰/۰۵, **p<۰/۰۱

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد انسجام خانوادگی با جمع‌گرایی رابطه مستقیم و معنی داری دارد (r=۰/۱۸، p<۰/۰۵)، اما انسجام خانوادگی و فردگرایی رابطه معنی‌داری با یکدیگر نداشتند (r= -۰/۰۳، p=۰/۶۶۷) (جدول ۵). اما نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه معادله معنی‌داری را نشان نداد (F=۳، p=۰/۵۳) (جدول ۶).

جدول ۵: ماتریس همبستگی انسجام خانوادگی و فردگرایی-جمع گرایی

	۲	۳
۱.جمع گرایی	**۰/۲۷	*۰/۱۸
۲. فردگرایی	-	-۰/۰۳
۳. انسجام خانوادگی		-

*p<۰/۰۵, **p<۰/۰۱

جدول ۶: خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش بینی میزان انسجام خانوادگی بر اساس فردگرایی-جمع گرایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	VIF	Tolerance	B	SEB	Beta	F	R2
جمع گرایی	انسجام خانوادگی	۱/۰۸	۰/۹۲	۰/۵۱	۰/۲۱	*۰/۲۰	۳	۰/۰۴
فردگرایی		۱/۰۸	۰/۹۲	-۰/۱۷	۰/۱۶	-۰/۰۹		

نتایج تکمیلی نیز نشان داد میزان جمع‌گرایی در دو گروه مردان و زنان تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارد (۰/۹۲= t، 359/0=p). اما میانگین نمره فردگرایی در گروه مردان (۹/۲۵= sd، 39/67=m) به طور معنی‌داری بیشتر از زنان (۸/۸۵= sd، 17/64=m) بود (۲/۱۷= t، 05/0>p) (جدول ۷).

هم‌چنین، نتایج آزمون تی مستقل نشان داد میزان جمع‌گرایی در دو گروه جوانان مجرد و متأهل تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارد (۰/۶۴- =t ، ۰/۵۲۲=p). اما میانگین نمره فردگرایی در گروه جوانان مجرد (sd=۹/۳۱ ، m=۶۶/۶۹) به طور معنی‌داری بیشتر از جوانان متأهل (sd=۸/۲۸ ، m=۶۲/۸۴) بود (t=۲/۳۶ ، p<۰/۰۵) (جدول ۸).

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد فردگرایی-جمع گرایی به تفکیک جنسیت

	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	T	p<
جمع‌گرایی	مرد	۴۰/۷۹	۶/۸۸	۰/۹۲	۰/۳۵۹
	زن	۳۹/۷۵	۶/۷۶		
فردگرایی	مرد	۶۷/۳۹	۹/۲۵	۲/۱۷	۰/۰۳۲
	زن	۶۴/۱۷	۸/۸۵		

جدول ۸: میانگین و انحراف استاندارد فردگرایی-جمع گرایی به تفکیک وضعیت تأهل

	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t	p<
جمع‌گرایی	مجرد	۳۹/۸۹	۶/۹۶	۰/۶۴-	۰/۵۲۲
	متأهل	۴۰/۶۷	۶/۱۷		
فردگرایی	مجرد	۶۶/۶۹	۹/۳۱	۲/۳۶	۰/۰۲۰
	متأهل	۶۲/۸۴	۸/۲۸		

بحث و تفسیر

در مطالعات بین فرهنگی، جمع‌گرایی را در رابطه با دلبستگی اضطرابی و فردگرایی را در رابطه با دلبستگی اجتنابی می‌پندارند. این نگرش، تنها تفاوت سبک‌های ناایمن را در جوامع فردگرا و جمع‌گرا لحاظ می‌کند. شاید به عقیده مک‌کنا[۶۵] (۲۰۰۹)، این مسأله به این دلیل باشد که سطح دلبستگی ایمن در فرهنگ‌های مختلف، مشابه است، اما سطح انواع دلبستگی ناایمن از فرهنگی به فرهنگ دیگر بسیار متفاوت است. نتایج این پژوهش رابطه مثبت و معنی‌دار بین سبک دلبستگی ایمن و جمع‌گرایی را نشان داد. سبک دلبستگی ایمن، که در نتیجه پاسخگویی مادر (یا مراقب دیگر) شکل می‌گیرد، اعتماد به دیگران را در فرد نهادینه می‌کند و در نتیجه فرصت تجربه مثبت از رابطه با دیگران و عضوی از جمع بودن را به فرد می‌دهد.

طبق نتایج این پژوهش، سبک دلبستگی اجتنابی با فردگرایی رابطه معکوس و معنی‌داری دارد. این رابطه منفی معنادار را می‌توان ناشی از ویژگی خودافشاسازی در فردگرایی دانست. افراد فردگرا تمایل به ابراز احساسات خود، بدون خودسانسوری و بدون ترس از نظر جمع دارند. در مقابل، سبک دلبستگی اجتنابی به

دلیل ترس از صمیمیت عاطفی، تمایلی به افشاگری شخصی ندارد (ونگ و مالینکراد، ۲۰۰۶؛ فریاس، لاوینگ و شیور، ۲۰۱۲).

طبق نتایج این پژوهش، ارتباطی بین سبک دلبستگی اضطرابی با هیچ کدام از مؤلفه‌های فردگرایی یا جمع‌گرایی یافت نشد. مطالعات دیگر نیز نتایج متفاوتی در این مورد گزارش کردند. در حالی که برخی از مطالعات بین دلبستگی اضطرابی و جمع‌گرایی ارتباط مثبت یافتند (لین، چو و ویلکینسون، ۲۰۱۷؛ ونگ و مالینکراد، ۲۰۰۶؛ وی، راسل، مالینکراد و زاکالیک، ۲۰۰۴)، نتایج برخی دیگر حاکی از عملکرد متضاد دلبستگی اضطرابی و جمع‌گرایی در سطح گروه است (فریاس، لاوینگ و شیور، ۲۰۱۲).

نتایج این پژوهش نشان داد سبک فرزندپروری مقتدر و سهل‌گیر با جمع‌گرایی و سبک فرزندپروری سهل‌گیر با فردگرایی رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد. از طرف دیگر، نتایج مطالعات بین‌فرهنگی در ارتباط بین سبک فرزندپروری و فردگرایی- جمع‌گرایی سبک مستبد را در فرهنگ جمع‌گرا، و سبک مقتدر را در فرهنگ فردگرا، شایع‌تر می‌دانند (زرویدس و نولس، ۲۰۰۷؛ استوارت، باند، دیدز و چانگ[۶۶]، ۱۹۹۹؛ کشاورز و بحارالدین[۶۷]، ۲۰۰۹). برای رسیدن به یک تحلیل، می‌توان نتایج را به این صورت خلاصه کرد:

مطالعات بین فرهنگی، ارتباط فرهنگ با سبک فرزندپروری والدین را این طور بیان کرده‌اند:

نتیجه ۱: فرهنگ فردگرا ← والد مقتدر

نتیجه پژوهش حاضر، ارتباط سبک فرزندپروری والدین با گرایش فرزند را بیان می‌کند:

نتیجه ۲: والد مقتدر ← فرزند جمع‌گرا

اگر بخواهیم گرایش فرزند را نیز به نتیجه ۱ اضافه کنیم، نتیجه ۱ را می‌توان به این صورت تکمیل کرد:

نتیجه ۳: فرهنگ فردگرا ← والد مقتدر ← فرزند فردگرا

با توجه به این که ایران کشوری با فرهنگ جمع‌گرا است، نتیجه ۲ را نیز می‌توان به این صورت تکمیل کرد:

نتیجه ۴: فرهنگ جمع‌گرا ← والد مقتدر ← فرزند جمع‌گرا

از کنار هم گذاشتن نتیجه ۳ و ۴، می‌توان به این تحلیل دست یافت که از میان سبک‌های فرزندپروری، **«والدین مقتدر در هر فرهنگی، در انتقال ارزش‌های آن فرهنگ به فرزندان خود موفق‌تر هستند»**. سبک فرزندپروری مقتدر دارای دو بعد کنترل بالا و گرمی بالا است. کنترل بالا موجب می‌شود که والدین روی هنجارها، از جمله هنجارهای فرهنگی، تأکید داشته باشند. گرمی بالا نیز موجب می‌شود که فرزندان به دلیل رابطه مثبتی که با والدین دارند، هنجارهای ارائه شده از طرف آنها را بپذیرند و این هنجارها به صورت ارزش در آنها نهادینه شود.

روی دیگر سکه در مورد ارتباط مثبت و معنی‌دار فردگرایی و سبک سهل‌گیر است:

فرهنگ جمع‌گرا ← والد سهل‌گیر ← فرزند فردگرا

همان‌طور که والدین مقتدر با «والدگری[۶۸] فعال» خود، جهت‌گیری ارزشی خاصی را به فرزند منتقل می‌کنند، والدین سهل‌گیر با «والدگری منفعل»، در عمل جای خود را در ایجاد چنین جهت‌گیری‌های ارزشی به نهادهای تربیتی جایگزین خود می‌سپارند. با توجه به این که موج نوگرایی و فردگرایی در سطح دنیا رو به گسترش بوده و حتی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ‌های جمع‌گرا به سمت فردگرایی در حال تغییر است، وقتی والدین نقش

منفعلی داشته باشند، نهادهای دیگر وارد عمل شده و موج فردگرایی در جامعه جمع‌گرا، فرزندان والدین سهل‌گیر را آسان‌تر از سایر سبک‌ها با خود همراه می‌کند.

اما نکته‌ای که در مورد ارتباط سبک مستبد و فرهنگ‌های جمع‌گرا (که در مطالعات بین‌فرهنگی رابطه مثبت بین این دو گزارش شده است) باید گفت، این است که در فرهنگ جمع‌گرا، رفتارهای کنترلی والدین مستبد، به عنوان رابطه صمیمی و بعد گرمی برداشت می‌شود (گورلا و همکاران، ۲۰۲۴؛ الحسن[۶۹]، ۲۰۲۴؛ جونلا و یوتانی آمانی وونگ، ۲۰۲۴؛ لو، زیو، چن و چانگ، ۲۰۲۴؛ دی گیونتا، اوریب تیرادو و روییزگارسیا[۷۰]، ۲۰۲۴؛ گوردال و سوربینگ، ۲۰۲۴؛ رتبام و همکاران[۷۱]، ۲۰۰۰؛ به نقل از امیدوار و همکاران[۷۲]، ۲۰۱۴؛ کشاورز و بحارالدین، ۲۰۰۹). در نتیجه اگر رفتار والدین فرهنگ جمع‌گرا را نه بر اساس عنوان این سبک‌ها، بلکه بر اساس دو بعد زیربنایی آنها، یعنی کنترل و گرمی، تحلیل کنیم، متوجه خواهیم شد که این والدین هم کنترل بالا و هم گرمی بالا دارند؛ به عبارت دیگر، کارکردی که والدین مقتدر در فرهنگ فردگرا دارند، والدین مستبد هم در فرهنگ جمع‌گرا خواهند داشت.

رابطه مثبت و معنی‌دار انسجام خانوادگی با جمع‌گرایی که در این پژوهش یافت شد، مطابق انتظار بود. اما ذکر چند نکته حائز اهمیت است. اولین نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، تفاوت مطالعه یک عامل در مقایسه آن میان دو فرهنگ، با مطالعه آن عامل درون یک فرهنگ است. مطالعه‌ای که در دو فرهنگ جمع‌گرا و فردگرا، مثلاً سبک فرزندپروری یا سبک دلبستگی را مقایسه می‌کند، دو گروه نسبتاً نامتناجس را با یکدیگر مقایسه می‌کند. اما مطالعه درون یک فرهنگ، افرادی را از یک بافت فرهنگی همگن و متناجس مورد مقایسه قرار می‌دهد. در نتیجه متغیرهای مستقل و وابسته در دو فرهنگ بیشتر از هم قابل تفکیک هستند تا درون یک فرهنگ. به نظر می‌رسد رابطه مثبت سبک دلبستگی ایمن و یا سبک فرزندپروری سهل‌گیر هم با فردگرایی و هم با جمع‌گرایی، که در نتایج این پژوهش دیده شد، به همین بافت همگن فرهنگی برمی‌گردد. از طرف دیگر رابطه مثبت و معنی‌دار فردگرایی و جمع‌گرایی با یکدیگر در این پژوهش، نظر همزیستی و همزمانی فردگرایی و جمع‌گرایی (هافستد، ۲۰۰۱؛ کاگیتچی‌باشی، ۲۰۱۷؛ تامیسلمندا و همکاران، ۲۰۰۸) را در سطح فردی تأیید می‌کند.

تفاوت‌های فرهنگی در برداشت از مفاهیم فردگرایی و جمع‌گرایی را نیز نباید از نظر دور داشت. به عنوان مثال گویه «من نظرات دوستانم را قبل از انجام کارهای بزرگ در نظر می‌گیرم.» در یک فرهنگ فردگرا می‌تواند مصداق جمع‌گرایی باشد، در حالی که در یک فرهنگ جمع‌گرا این گویه به فردگرایی نزدیک‌تر است تا جمع‌گرایی. در جامعه جمع‌گرایی که خانواده به عنوان جمع اصلی که فرد عضو آن است شناخته می‌شود، اهمیت به نظرات گروه همسالان در درجه بعد از نظرات خانواده قرار می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای اولویت دادن به نظرات گروه همسالان به جای نظرات خانواده، در واقع نشانگر فردگرایی است.

همان‌طور که در ابتدا نیز گفته شد، فردگرایی یا جمع‌گرایی، به عنوان گرایش‌های دو سر یک طیف، هر یک در کنار ویژگی‌های مثبت، ویژگی‌های منفی نیز به همراه دارد. به نظر می‌رسد الگوی سومی متشکل از ویژگی‌های مثبت فردگرایی و جمع‌گرایی، بتواند الگوی مناسب‌تری برای انسان مطلوب باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. modernism
2. Georgas et al.
3. Hofstede
4. Beck & Beck-Gernsheim
5. Green & Paez
6. Hughes
7. Khajenoori, Parnian & Jafari
8. Afshani, Khorampour & Javaherchian
9. Hosainey
10. Smith, Bond & Kagitçibasi
11. Renjard
12. Joas et al.
13. Lindcere et al.
14. Loose
15. Suizzo
16. Tamis-LeMonda
17. Personal choice
18. intrinsic motivation
19. Self- esteem
20. self-maximization
21. Connection to the family and other close relationships
22. Orientation to the larger group
23. Respect and obedience
24. Super &Harkness
25. Keller
26. Baumrind
27. Pakdaman & Khanjani
28. Hoseinnejad & Abdollahzade
29. Kazemi, Eftekhar & Solokian
30. Bidjari & Zahmatkesh
31. Lansford
32. Oburu
33. Bacchini, Cirimele, Giunta, Miranda &Pastorelli
34. Junla & Yotanyamaneewong
35. Lu, Zhu, Chen, & Chang
36. Gurdal, & Sorbring
37. Gorla
38. Lin, Chew &Wilkinson
39. Wang &Mallinckrodt
40. Wei, Russell, Mallinckrodt& Zakalik
41. Frías, Loving &Shaver
42. Pearson &Child
43. Zervides& Knowles
44. Rudy & Grusec
45. Auckland Individualism-Collectivis--mScale (AICS)
46. Shulruf., Hattie & Dixon
47. Advice
48. Harmony
49. Competitiveness
50. Uniqueness
51. Responsibility
52. Revised Adult Attachment Scale - (RAAS)
53. Collins &Read
54. Hazen &shaver
55. Rajaei, Nayeri & Sedaghati
56. Hadadi Kohsar & Ghobari Bonab
57. parental authority questionnaire (PAQ)
58. Buri
59. P.Sharifi, Enayati, Asgari, Pasha & Zeinali
60. Ejei et al.
61. Family cohesion scale
62. Olson
63. Zare & Samani
64. Saatchi, Kamkari & Asgarian
65. Mckenna
66. Stewart ,Bond, Deeds &Chung
67. Keshavarz & Baharudin
68. parenting
69. Al-Hassan
70. Di Giunta, Uribe Tirado & Ruiz Garcia
71. Rothbaum et al.
72. Omidvar et al.
40. Wei, Russell, Mallinckrodt& Zakalik

References:

Afshani, A., Khorampour, Y. & Javaherchian, N. (2014). [The Relationship between Globalization and Individualism among Young People 15-29 years old in Yazd]. *Journal of Social Sciences*. 8(26); 149 – 172. [in Persian].

Al-Hassan S. M. (2024). Cultural values, parenting and child adjustment in Jordan. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 531–539. https://doi.org/10.1002/ijop.13106

Bacchini, D., Cirimele, F., Di Giunta, L., Miranda, M. C., & Pastorelli, C. (2024). Cultural values, parenting and child adjustment in Italy. International journal of psychology: Journal international de psychologie, 59(4), 540–549. https://doi.org/10.1002/ijop.13105.

Baumrind, Diana. (2005). Patterns of parental authority and adolescent autonomy.*New directions for child and adolescent development*, 2005. 61-9.

Beck, U. & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Theory, Culture & Society: Individualization: Institutionalized individualism and its social and political consequences.* London: SAGE Publications.

Bidjari, Azam Farah, Zahmatkesh, Asma (2011). Parenting styles and individualistic and collectivistic values) Considering transition mechanism or inter-generation non-transition). *Procedia - Social and Behavioral Sciences,* 30, 2431 – 2437.

Buri J. Parenting authority questionnaire. J Pers Assess. 1991; 57(1):110-9.

Collins, Nancy L. & Read, Stephen J. (1990). Adult Attachment, Working Models, and Relationship. Journal of Personality and Social Psychology, (58), 644-663.

Di Giunta, L., Uribe Tirado, L. M., & Ruiz Garcia, M. (2024). Cultural values, parenting and child adjustment in Colombia. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 578–587. https://doi.org/10.1002/ijop.13120.

EJei, J., Gholamali Lavasani, M., M. Ahmadi, E. & Khezri Azar, H. (2011). [The Relationship between Parenting Styles and Academic Achievement Through the Mediating Influences of Achievement Goals and Academic]. *Journal of Psychology*. 15 (3); 284 - 301. [in Persian].

Frías, Mayte & Loving, Rolando & Shaver, Phillip. (2012). Cultural Syndromes and Attachment Dimensions Involved in Emotional Expression. *Acta de investigación psicológica*, 2, 623-637.

Georgas, J., Berry, J. W., van de Vijver, F. J. R., Kağitçibaşi, Ç., & Poortinga, Y. H. (Eds.). (2006). *Families across cultures: A 30-nation psychological study*. New York, NY, US: Cambridge University Press.

Gorla, L., Rothenberg, W. A., Lansford, J. E., Yotanyamaneewong, S., Alampay, L. P., Al-Hassan, S. M., Bacchini, D., Bornstein, M. H., Breiner, K., Chang, L., Deater-Deckard, K., Di Giunta, L., Dodge, K. A., Gurdal, S., Junla, D., Oburu, P., Pastorelli, C., Santona, A., Skinner, A. T., Sorbring, E., … Uribe Tirado, L. M. (2024). Individualism, collectivism and conformity in nine countries: Relations with

parenting and child adjustment. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 598–610. https://doi.org/10.1002/ijop.13130.

Green,Eva G. T, Paez, Dario (2005). Variation of Individualism and Collectivism within and between 20 Countries, Typological Analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 36 (3), 321-339.

Gurdal, S., & Sorbring, E. (2024). Cultural values, parenting and child adjustment in Sweden. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 550–558. https://doi.org/10.1002/ijop.13103.

Hadadi Kohsar, A. & Ghobari Bonab, B. (2011). [Image of God and Paranoid Ideation in College Students]. *Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists)*. 7(27),289-295. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=212922 [in Persian].

Hofstede, G. (2001). *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions, and Organizations Across Nations*. 2nd ed. Sage, Thousand Oaks, CA.

Hosainey, Bibi Monira (2010). Individualism and collectivism in the age of globalization: A comparison between a Scandinavian and a Middle Eastern society. *Psykologisk institutt*, http://urn.nb.no/URN:NBN:no-27735.

Hoseinnejad, M. & Abdollahzade, H. (2015). [The role of parental parenting style in socialization of middle school students (socio-cultural approach)]. *Journal of Education*. 31(2); 119 – 144. [in Persian].

Junla, D., & Yotanyamaneewong, S. (2024). Cultural values, parenting and child adjustment in Thailand. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 559–567. https://doi.org/10.1002/ijop.13111.

Kagˇıtcıbası, Cigˇdem (2017). *Family, Self, and Human Development Across Cultures*. New York & Londan: Routledge.

Kazemi, Ashraf & Eftekhar, Hasan & Solokian, Soheila. (2010). The Association Between Social Competence in Adolescents and Mothers' Parenting Style: A Cross Sectional Study on Iranian Girls. Child and Adolescent Social Work Journal. 27. 395-403.

Keller, H. (2013). *Culture and Development: Developmental Pathways to Psychological Autonomy and Hierarchical Relatedness (2)*. Online Readings in Psychology and Culture, 6(1). http://dx.doi.org /10.9707/2307-0919.1052.

Keshavarz, Somayeh and Baharudin, Rozumah (2009) Parenting style in a collectivist cultures of Malaysia. *European Journal of Social Sciences*, 10 (1), 66-73.

Khajenoori, B., & Parnian, L., & Jafari, M. (2014). [A Study of the Relationship Between Cultural Globalization with Individualism and Collectivism (Research Subject: Shiraz City).] *Journal of Applied Sociology*. 24(4 (52)), 11-14. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=488373 [in Persian].

Lansford, J. E., Zietz, S., Al-Hassan, S. M., Bacchini, D., Bornstein, M. H., Chang, L., Deater-Deckard, K., Di Giunta, L., Dodge, K. A., Gurdal, S., Liu, Q., Long, Q., Oburu, P., Pastorelli, C., Skinner, A. T., Sorbring, E., Tapanya, S., Steinberg, L., Uribe Tirado, L. M., Yotanyamaneewong, S., … Alampay, L. P. (2021). Culture and Social Change in Mothers' and Fathers' Individualism, Collectivism and Parenting Attitudes. Social sciences, 10(12), 459. https://doi.org/10.3390/socsci10120459.

Lin, Hong-Hui & Chew, Pony & Wilkinson, Ross. (2017). Young Adults' Attachment Orientations and Psychological Health Across Cultures: The Moderating Role of Individualism and Collectivism. *Journal of Relationships Research*. In Press.

Loose, florence (2008), Individualism: valued differently by parents and teachers of primary, junior high and high school students. *social psychological education*, 11, 117 -131.

Lu, H. J., Zhu, N., Chen, B. B., & Chang, L. (2024). Cultural values, parenting, and child adjustment in China. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 512–521. https://doi.org/10.1002/ijop.13100.

Mckenna, yvonne (2009). *Cultural Influences on Attachment Behaviours.* master of counselling dessertation, Faculty of Education, Lethbridge, Alberta.

Oburu P. (2024). Cultural values, parenting and child adjustment in Kenya. International journal of psychology : Journal international de psychologie, 59(4), 522–530. https://doi.org/10.1002/ijop.13104.

Olson, D.H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22, 144-167.

Omidvar, Banafsheh & Bahrami, Fatemeh & Fatehizade, Maryam & Etemadi, Ozra & Ghanizadeh, Ahmad. (2014). Attachment Quality and Depression In Iranian Adolescents. *Psychological Studies*, 59, 309-315.

P.Sarifi, H., & Enayati, M., & Asgari, P., & Pasha, G. & Zeinali, A. (2011). [Development and Validation of Parenting Style Questionaire]. *Innovation in Management Education (Journal of Modern Thoughts in Education*), 6(3 (23)), 129-146. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=258177 [in Persian].

Pakdaman, S., & Khanjani, M. (2012). [The Role of Perceived Parenting in the Relationship Between Attachment and Collectivism Styles Among University Students]. *Social Psychology Research*. 1(4), 81-102. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=263414 [in Persian].

Pearson, Judy & Child, Jeffrey. (2007). A Cross-Cultural Comparison of Parental and Peer Attachment Styles among Adult Children from the United States, Puerto Rico, and India. *Journal of Intercultural Communication Research*, 36, 15-32.

Rajaei, A., & Nayeri, M., & Sedaghati, S. (2007). [Attachment Styles and Martial Satisfactin]. *Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists),* 3(12), 347-356. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=106800 [in Persian].

Rudy, Duane & Grusec, Joan E. (2006). Authoritarian Parenting in Individualist and Collectivist Groups: Associations with Maternal Emotion and Cognition and Children's Self-Esteem. *Journal of family psychology*: *journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association (Division 43)*. 20. 68-78.

Saatchi, M., Kamkari, K. & Asgarian, M. (2014). Psychological Tests. 4th Edition, Tehran: Virayesh Publication. [in Persian].

Samani, S. (2006). [Family Cohesion and Emotional Autonmy in Runaway Girls]. *Iranian Journal of psychiatry and Clinical Psychology.* 12(3(46)), 258-262. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=69649 [in Persian].

Shakiba, Abbas; Bahrami, Fateme; Kave Farsani, Zabiholah (2011). The Study of the Factorial Structure and Psychometric Properties of the Auckland Individualism-Collectivism Scale. Knowledge & Research in Applied Psychology Autumn 2011 - Vol 12. No 3 (Continuous No. 45).

Shulruf, B., Alesi, M., Ciochina, L., Faria, L., Hattie, J., Hong, F., Pepi, A., Watkins, D. (2011). Measuring Collectivism and Individualism in the Third Millennium. Social Behavior and Personality, 2011, 39(2), 173-188.

Smith, Peter B., Bond, Michael Harris & Kagitçibasi, Cigdem (2006) *Understanding Social Psychology Across Cultures: Living and Working in a Changing World.* London: Sage.

Stewart, S. M., Bond, M. H., Deeds, O., & Chung, S. F. (1999). Intergenerational Patterns of Values and Autonomy Expectations in Cultures of Relatedness and Separateness. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 30(5), 575–593.

Suizzo, M.-A. (2004). French and American Mothers' Childrearing Beliefs: Stimulating, Responding, and Long-Term Goals. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35(5), 606–626. https://doi.org/10.1177/0022022104268391.

Super, Charles & Harkness, Sara. (2002). Culture Structures the Environment for Development. Human Development - *Human Development*. 45. 270-274.

Tamis-LeMonda, S. Catherine & Way, Niobe & Hughes, Diane & Yoshikawa, Hirokazu & Kahana Kalman, Ronit & Y. Niwa, Erika. (2008). Parents' Goals for Children: The Dynamic Coexistence of Individualism and Collectivism in Cultures and Individuals. *Social Development*, 17, 183 - 209.

Wang, C.D., & Mallinckrodt, B.S. (2006). Differences between Taiwanese and U.S. cultural beliefs about ideal adult attachment. *Journal of Counseling Psychology*, 53, 192–204. https:// doi.org/10.1037/0022-0167.53.2.192.

Wei, M., Russell, D. W., Mallinckrodt, B., & Zakalik, R. A. (2004). Cultural Equivalence of Adult Attachment Across Four Ethnic Groups: Factor Structure, Structured Means, and Associations with Negative Mood. *Journal of Counseling Psychology, 51*(4), 408-417.

Zare, M., & Samani, S. (2008). [The Role of Family Flexiility and Cohesin in Child Goal Orientation]. *Journal of Family Research*. 4(13), 17-36. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=117313 [in Persian].

Zervides, Sophia & Knowles, Ann. (2007). Generational changes in parenting styles and the effect of culture. [Electronic version]. *E-Journal of Applied Psychology*, 3, 65-75.